

بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ
وَصَلَّى اللَّهُ عَلَى مُحَمَّدٍ وَآلِهِ الطَّاهِرِينَ

بنیادگرایی یهودی

و ساختار سیاسی اسرائیل

(سرگردانی میان بازگشت و تبعید)

دکتر جلال درخشه

عضو هیئت علمی دانشگاه امام صادق علیه السلام

دکتر سید محمد مهدی حسینی فائق



انتشارات
دانشگاه امام صادق علیه السلام

عنوان: بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل (سرگردانی میان بازگشت و تبعید)

تألیف: دکتر جلال درخشه و دکتر سید محمد مهدی حسینی فائق

ناشر: دانشگاه امام صادق علیه السلام

ویراستار ادبی، صفحه‌آرا و طراح جلد (یونیفرم): محمد روشنی

نمایه‌ساز و ناظر نسخه‌پردازی و چاپ: رضا دیبا

چاپ و صحافی: چاپ سپیدان تهران

چاپ اول: ۱۳۹۶

قیمت: ۱۷۵/۰۰۰ ریال

شمارگان: ۱۰۰۰ نسخه

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۸۶-۴

تهران: بزرگراه شهید چمران، پل مدیریت، انتشارات دانشگاه امام صادق علیه السلام

صندوق پستی ۱۵۹-۱۴۶۵۵ • کد پستی: ۰۱۴۶۵۹۴۳۶۸۱ • تلفکس: ۸۸۳۷۰۱۴۲

فروشگاه اینترنتی: www.ketabesadiq.ir • E-mail: press@isu.ac.ir

سرشناسه: درخشه، جلال، ۱۳۴۳-

عنوان و نام پدیدآور: بنیادگرایی یهودی و ساختار سیاسی اسرائیل (سرگردانی میان بازگشت و تبعید) //
تألیف: جلال درخشه و سید محمد مهدی حسینی فائق.

مشخصات نشر: تهران: دانشگاه امام صادق (ع)، ۱۳۹۶

مشخصات ظاهری: ۳۱۲ ص.

شابک: ۹۷۸-۶۰۰-۲۱۴-۵۸۶-۴

موضوع: بنیادگرایی یهودی

موضوع: هویت اصولی -- اسرائیل -- جنبه‌های سیاسی
شناسه افزوده: حسینی فائق، سید محمد مهدی، ۱۳۶۳- همکار

شناسه افزوده: دانشگاه امام صادق (ع)

رده‌بندی کنگره: ۱۳۹۶ ب ۹ د ۳۹۰ BM

رده‌بندی دیویی: ۳۹۶/۰۹۰۴

شماره کتابشناسی ملی: ۴۷۴۹۹۳۳

تمام حقوق محفوظ است، هیچ بخشی از این کتاب بدون اجازه مکتوب ناشر قابل تکثیر یا تولید مجدد به هیچ شکلی از جمله چاپ، فتوکپی، انتشار الکترونیکی، فیلم و صدا و انتقال در فضای مجازی نمی‌باشد.
این اثر تحت پوشش قانون حمایت از حقوق مؤلفان و مصنفان ایران قرار دارد.

فهرست مطالب

سخن ناشر.....	۹
مقدمه.....	۱۱
فصل اول: مبانی نظری بنیادگرایی.....	۱۷
۱. مقدمه.....	۱۷
۲. زمینه‌های شکل‌گیری بنیادگرایی.....	۲۱
۳. مقومات اصلی بنیادگرایی.....	۲۸
۱-۳. پیوند دین و سیاست.....	۳۱
۲-۳. تمسک به اصول و ارزش‌های ثابت.....	۳۲
۳-۳. مخالفت با مدرنیسم.....	۳۴
۴-۳. روحیه ستیزه‌جویی.....	۴۰
۵-۳. موعودباوری.....	۴۳
۴. تعریف بنیادگرایی.....	۴۵
۵. جایگاه بنیادگرایی دینی در اندیشه سیاسی.....	۵۲
جمع‌بندی.....	۵۶
فصل دوم: زمینه‌های بنیادگرایی در تاریخ، دین و قومیت یهود.....	۶۱
۱. مقدمه.....	۶۱
۲. جایگاه تاریخ در اندیشه سیاسی.....	۶۲
۳. پیچیدگی روایات، خوانش‌ها و تفاسیر (تنوع و تکثر منابع).....	۶۴
۴. بنیادگرایی یهودی در بستر تاریخ قوم یهود.....	۶۷
۱-۴. دوره داوران.....	۷۰
۲-۴. عهد پادشاهی.....	۷۳

۳-۴. اسارت بابلی	۷۶
۴-۴. شکل‌گیری نظام یهودیت پس از دوران اسارت بابلی	۷۹
۵-۴. دوران پراکندگی	۸۰
۵. منابع مقدس یهود	۸۳
۱-۵. تورات	۸۴
۲-۵. تلمود	۸۹
۶. نگاهی تحلیلی انتقادی به زمینه‌های بنیادگرایی یهودی	۹۲
۷. مقومات اصلی بنیادگرایی یهودی	۱۰۲
۱-۷. سرزمین مقدس	۱۰۲
۲-۷. قوم برگزیده	۱۰۵
۳-۷. مسیحای نجات‌بخش	۱۱۲
جمع‌بندی	۱۱۶
فصل سوم: جریان‌شناسی بنیادگرایی یهودی در اسرائیل	۱۲۱
۱. مقدمه	۱۲۱
۲. گفتمان‌های یهودیت معاصر	۱۲۴
۱-۲. گفتمان صهیونیسم	۱۲۴
۱-۱-۲. زمینه‌های شکل‌گیری صهیونیسم	۱۲۶
۲-۱-۲. مقومات گفتمان صهیونیسم	۱۲۷
الف) قوم‌محوری، نژادپرستی و غیرستیزی	۱۳۱
ب) سرزمین مقدس	۱۳۸
۳-۱-۲. رویکردهای مهم در شکل‌گیری جریان صهیونیسم	۱۴۱
الف) رویکرد آپارتایدی	۱۴۱
ب) رویکرد ناسیونالیستی	۱۴۲
ج) رویکرد گذشته‌گرا و نوستالژیک	۱۴۳
۴-۱-۲. خوانش‌های مختلف از گفتمان صهیونیسم	۱۴۴
۲-۲. گفتمان پست صهیونیسم	۱۴۵
۱-۲-۲. زمینه‌های شکل‌گیری	۱۴۸
۲-۲-۲. مقومات گفتمان پست صهیونیستی	۱۴۸
الف) رد خوانش صهیونیستی از دین یهود	۱۴۹
ب) تشکیک در روایت صهیونیستی از تاریخ	۱۵۰

ج) نفی صهیونیسم به عنوان الگوی کامل و راه نجات	۱۵۱
د) گرایش های پست صهیونیسم	۱۵۲
۳. گفتمان بنیادگرایی یهودی	۱۵۶
۱-۳. جریان ها و گرایش های بنیادگرایی یهودی	۱۵۹
الف) بنیادگرایی با گرایش صهیونیسم دینی	۱۶۲
ب) بنیادگرایی با گرایش اشکنازی (ارتدوکس افراطی)	۱۶۴
ج) بنیادگرایی با گرایش سفاردی (شاس)	۱۶۵
د) بنیادگرایی با گرایش ضد صهیونیسم	۱۶۵
۲-۳. زمینه های ظهور و رشد بنیادگرایی در اسرائیل	۱۶۸
جمع بندی	۱۷۲
فصل چهارم: نقش و جایگاه بنیادگرایی یهودی در ساختار سیاسی اسرائیل	۱۷۷
۱. مقدمه	۱۷۷
۲. ساختار سیاسی اسرائیل	۱۸۰
۱-۲. قانون اساسی اسرائیل	۱۸۰
۲-۲. قوه مقننه (کنست)	۱۸۴
۳-۲. قوه مجریه	۱۸۷
۳. رابطه دین و دولت در اسرائیل	۱۹۰
۱-۳. توافقنامه وضع موجود	۱۹۲
۲-۳. منشور استقلال	۱۹۴
۳-۳. تناقض میان دولت یهودی و اصل دموکراسی	۱۹۵
۴-۳. نقش جریان های دینی در عرصه سیاسی	۱۹۶
الف) محدودیت گروه های مذهبی	۱۹۷
ب) کاهش نقش سکولارها	۱۹۷
ج) بحرانی شدن درگیری میان متدینین و سکولارها	۱۹۸
د) وضعیت موجود	۱۹۹
۴. بنیادگرایی یهودی در نظام حزبی اسرائیل	۱۹۹
۱-۴. اهمیت احزاب	۲۰۰
۲-۴. تعدد و تنوع احزاب	۲۰۱
الف) نظام انتخاباتی اسرائیل	۲۰۳
ب) مواضع سیاسی احزاب	۲۰۵

.....	ج) شکاف‌های اجتماعی اسرائیل	۲۰۶
.....	۵. احزاب اسرائیل	۲۱۲
.....	۵-۱. احزاب چپ	۲۱۸
.....	۵-۱-۱. حزب کار	۲۲۰
.....	۵-۱-۲. حزب میرتس	۲۲۲
.....	۵-۲. احزاب راست	۲۲۳
.....	۵-۲-۱. حزب لیکود	۲۲۵
.....	۵-۲-۲. حزب کادیما	۲۲۷
.....	۵-۲-۳. حزب اتحاد ملی	۲۲۸
.....	۵-۲-۴. حزب اسرائیل خانه ما (بیتنا)	۲۲۹
.....	۵-۲-۵. کاخ	۲۳۱
.....	۵-۳. احزاب دینی	۲۳۲
.....	۵-۳-۱. احزاب صهیونیست دینی	۲۳۴
.....	۵-۳-۱-۱. حزب دینی قومی (خانه یهودی کنونی) ممدال	۲۳۴
.....	۵-۳-۲. احزاب دینی وابسته به حارديم	۲۳۶
.....	۵-۳-۱. اگودات اسرائیل (اتحاد اسرائیل)	۲۳۶
.....	۶. نقش بنیادگرایی یهودی در ساختار سیاسی اسرائیل	۲۳۹
.....	۷. اهداف بنیادگرایان	۲۴۴
.....	۸. گونه‌شناسی بنیادگرایی یهودی	۲۴۶
.....	۸-۱. بنیادگرایی یهودیت در تبعید	۲۴۸
.....	۸-۱-۱. بنیادگرایی منفعل: انزواگرایی سیاسی	۲۵۰
.....	۸-۱-۲. بنیادگرایی عمل‌گرا	۲۵۴
.....	۸-۲. بنیادگرایی موعودباور	۲۶۱
.....	جمع‌بندی	۲۶۹
.....	فرجام سخن	۲۷۱
.....	منابع	۲۹۱
.....	نمایه	۲۹۹

«بِسْمِ اللَّهِ الرَّحْمَنِ الرَّحِيمِ»
وَلَقَدْ ءَاتَيْنَا دَاوُودَ وَ سُلَيْمَانَ عِلْمًا وَقَالَا الْحَمْدُ لِلَّهِ الَّذِي
فَضَّلَنَا عَلَى كَثِيرٍ مِّنْ عِبَادِهِ الْمُؤْمِنِينَ
(قرآن کریم. سوره مبارکه النمل. آیه شریفه ۱۵)

سخن ناشر

فلسفه وجودی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) که از سوی ریاست فقید دانشگاه به کرات مورد توجه قرار گرفته، تربیت نیروی انسانی‌ای متعهد، باتقوا و کارآمد در عرصه عمل و نظر است تا از این طریق دانشگاه بتواند نقش اساسی خود را در سطح راهبردی به انجام رساند. از این حیث «تربیت» را می‌توان مقوله‌ای محوری یاد نمود که وظایف و کارویژه‌های دانشگاه، در چارچوب آن معنا می‌یابد؛ زیرا که «علم» بدون «تزکیه» بیش از آنکه ابزاری در مسیر تعالی و اصلاح امور جامعه باشد، عاملی مشکل ساز خواهد بود که سازمان و هویت جامعه را متأثر و دگرگون می‌سازد.

از سوی دیگر «سیاست‌ها» تابع اصول و مبادی علمی هستند و نمی‌توان منکر این تجربه تاریخی شد که استواری و کارآمدی سیاست‌ها در گرو انجام پژوهش‌های علمی و بهرمندی از نتایج آنهاست. ازاین منظر پیشگامان عرصه علم و پژوهش، راهبران اصلی جریان‌های فکری و اجرایی به حساب می‌آیند و نمی‌توان آینده درخشانی را بدون توانایی‌های علمی - پژوهشی رقم زد و سخن از «مرجعیت علمی» در واقع پاسخ‌گویی به این نیاز بنیادین است.

دانشگاه امام صادق (علیه السلام) درواقع یک الگوی عملی برای تحقق ایده دانشگاه اسلامی در شرایط جهان معاصر است. الگویی که هم اکنون ثمرات نیکوی آن در فضای ملی و بین‌المللی قابل مشاهده است. طبعاً آنچه حاصل آمده محصول نیت خالصانه و جهاد علمی مستمر مجموعه بنیانگذاران و دانش‌آموختگان این نهاد است که امید می‌رود با اتکاء به تأییدات الهی و تلاش همه‌جانبه اساتید، دانشجویان و مدیران دانشگاه، بتواند به مرجعی تمام عیار در گستره جهانی تبدیل گردد.

معاونت پژوهشی دانشگاه امام صادق (علیه السلام) باتوجه به شرایط، امکانات و نیازمندی جامعه در مقطع کنونی با طرحی جامع نسبت به معرفی دستاوردهای پژوهشی دانشگاه، ارزیابی سازمانی - کارکردی آن‌ها و بالاخره تحلیل شرایط آتی اقدام نموده که نتایج این پژوهش‌ها در قالب کتاب، گزارش، نشریات علمی و... تقدیم علاقه‌مندان می‌گردد. هدف از این اقدام - ضمن قدردانی از تلاش خالصانه تمام کسانی که با آرمان و اندیشه‌ای بزرگ و ادعایی اندک در این راه گام نهادند - درک کاستی‌ها و اصلاح آنها است تا از این طریق زمینه پرورش نسل جوان و علاقه‌مند به طی این طریق نیز فراهم گردد؛ هدفی بزرگ که در نهایت مرجعیت مکتب علمی امام صادق (علیه السلام) را در گستره بین‌المللی به همراه خواهد داشت (ان شاء الله).

وَلِلَّهِ الْحَمْدُ

معاونت پژوهشی دانشگاه

مقدمه

بنیادگرایی، از مفاهیم مناقشه‌برانگیز و پُر چالش در دنیای معاصر به‌شمار می‌رود و به سبب گسترش فعالیت برخی گروه‌های تندرو (که گاه در رسانه‌ها از آن‌ها به‌عنوان بنیادگرا یاد می‌شوند) در کانون توجه رسانه‌ای و تحقیقاتی قرار دارد. هر چند امروزه مسئله بنیادگرایی و مباحث مرتبط با آن، در دایره مسائل عصر جدید قرار داده می‌شود و آن را پدیده‌ای مدرن قلمداد می‌کنند، اما باید توجه داشت که، حداقل بنیادگرایی - از حیث نظری - پیشینه بسیار قدیم در تاریخ اندیشه بشری دارد، به نحوی که می‌توان ریشه‌های آن را در جهان کهن تا جهان جدید جست‌وجو نمود. در عین حال باید تأکید نمود که امروزه ما شاهد کاربرد واژه بنیادگرایی در حوزه‌های مختلف (اعم از سیاسی، اقتصادی و دینی) هستیم و شمولیت گسترده آن، در کنار دلالت معنایی موسعش، امکان پژوهش درباره آن را با دشواری‌هایی توأم کرده است. با توجه به اینکه پژوهش حاضر در پارادایم کلان علوم سیاسی انجام می‌شود، پیش از هر چیز دیگر باید معنا و مفهوم کلی بنیادگرایی در این حوزه معنایی مورد بررسی قرار گیرد و سپس؛ بنیادگرایی یهودی به‌عنوان گونه‌ای از بنیادگرایی دینی توضیح داده شود.

البته، باید این نکته را خاطر نشان کرد که، از حیث نظری میان بنیادگرایی به‌عنوان یک «اندیشه» و بنیادگرایی به مثابه یک «جنبش مدرن» تفاوت‌هایی وجود دارد، به نحوی که قاعدتاً بنیادگرایی به‌عنوان یک «اندیشه»، بر بنیادگرایی به معنای «جنبشی بنیادگرا» تقدم دارد، در عین حالی که عملاً امکان چنین تفکیکی در دوره معاصر پیچیده به نظر می‌رسد.

بنیادگرایی در چارچوب جنبش‌های بنیادگرا غالباً متأثر از عصر مدرنیسم و به نظر برخی، از پیامدهای آن به شمار می‌آید و به مانند سایر مفاهیم عصر مدرن، دارای نوعی تکثر معنایی می‌باشد. از این‌رو منحصر و محدود به جنبش‌های دینی نیست و کاربردهای موسع‌تری در حوزه‌های مختلف یافته است که برای فهم دقیق‌تر آن ضرورتاً باید مؤلفه‌های گوناگون سیاسی، اجتماعی، اقتصادی و فرهنگی لحاظ گردد.

امروزه از میان گونه‌های مختلف بنیادگرایی، بنیادگرایی دینی، به واسطه تجلیات بیرونی و پیامدهای عمیق سیاسی آن، توجه بسیاری از پژوهشگران و نیز مراکز تحقیقاتی و نیز سیاسی و امنیتی را به خود جلب نموده است، به نحوی که در جهان امروز بنیادگرایی دینی به‌عنوان یکی از چالش‌های مهم در عرصه سیاست‌های ملی و بین‌المللی قلمداد می‌شود. اغلب پژوهش‌ها، خاستگاه اولیه بنیادگرایی دینی را در عصر جدید در مسیحیت پروتستان آمریکا (در قرن میلادی ۱۹) جست‌وجو می‌کنند و برخی از پژوهشگران بر اساس همین مبنا، امکان کاربرد واژه «بنیادگرایی» را برای سایر ادیان دقیق نمی‌دانند. ولی روشن است که نمی‌توان چنین مفهومی را صرفاً به خاستگاه نخستین آن محدود کرد، هرچند کاربرد بی‌ضابطه آن نیز چندان صحیح نمی‌باشد.

اما در چند دهه اخیر در میان انواع بنیادگرایی، بنیادگرایی اسلامی به‌ویژه با عنایت به اقدامات برخی گروه‌های اسلام‌گرای تندرو، بیش از سایر گونه‌های بنیادگرایی در کانون توجهات رسانه‌ای و پژوهشی قرار گرفته است. این در حالی است که بنیادگرایی یهودی علی‌رغم اهمیت بسیار زیادش آن‌چنان‌که باید، مورد بررسی و تجزیه و تحلیل قرار نگرفته است که می‌توان دلایل چندی برای این خلأ تحقیقاتی ذکر نمود. یکی از آن‌ها کمتر شناخته شدن زبان و منابع دینی یهودیت می‌باشد، علاوه بر این دخالت و نقش‌آفرینی سیاست - به‌طور خاص - در پژوهش‌های مرتبط با بنیادگرایی یهودی و برخی سوگیری‌های ارزشی (اعم از موافق و مخالف)، وثاقت علمی منابع موجود را نیز بعضاً خدشه‌دار ساخته است.

از این‌رو بررسی بنیادگرایی یهودی و ابعاد آن، به‌عنوان گونه‌ای از بنیادگرایی دینی ضروری است. زیرا در عین اینکه بررسی نظری آن از حیث علمی - تحقیقاتی اهمیت دارد و به گسترش ادبیات موضوعی این عرصه کمک مؤثر می‌نماید، به نظر بسیاری از صاحب‌نظران، این نوع بنیادگرایی در آینده رژیم صهیونیستی اسرائیل و منطقه غرب

آسیا تأثیرگذار خواهد بود. پیش از بررسی جایگاه و چگونگی ایفای نقش بنیادگرایی یهودی، در گام نخست باید تعریفی از آن ارائه شود. اما برای ارائه چنین تعریفی لازم است ابتدا مفهوم بنیادگرایی واکاوی و سپس بنیادگرایی یهودی به عنوان زیرگونه آن مورد بررسی قرار گیرد. موضوعی که در ابتدای این کتاب مورد توجه واقع شده و بررسی می گردد.

مفاهیم و اصطلاحات زیادی در علوم سیاسی وجود دارند که اجماع نظری در مورد تعریف آن ها شکل نگرفته است. یکی از این تعبیر «بنیادگرایی» است که نمی توان تعریف دقیقی از آن ارائه نمود. به ویژه اینکه تکرر و تنوع در گونه های مختلف بنیادگرایی، امکان ارائه یک تعریف جامع و مانع را دشوار ساخته، اما در عین حال، مشابهت های حیرت انگیزی میان بنیادگرایان در جوامع مختلف قابل مشاهده می باشد. برای تعریف، و تعیین حدود و ثغور مفهوم یاد شده؛ استفاده از دو روش «نمونه آرمانی» وبر و نیز «مشابهت های خانوادگی» ویتگنشتاین می تواند به پیشبرد بحث ما کمک مؤثر نماید تا بتوانیم براساس آن، تعریفی کلی از مفهوم بنیادگرایی ارائه نماییم. از آنجایی که بنیادگرایی در شمای کلی، پدیده ای کاملاً «زمینه مند»^۱ است و بدون در نظر گرفتن شرایط سیاسی، اجتماعی، اقتصادی، فرهنگی و حتی امنیتی قابل بررسی نیست؛ و نیز با توجه به رابطه دانش و قدرت به روایت فوکویی آن، استفاده از روش تحلیل گفتمان می تواند در بعد تحلیلی این پژوهش کارگشا باشد. البته همان طور که در متن کتاب نیز بحث خواهد شد، برای ارائه تحلیلی دقیق تر، باید چارچوبی از نظریه های مختلف به کار گرفته شود و نمی توان با اتکای به یک نظریه بحث را به سرانجام رسانید. بر همین اساس و نیز با توجه به اینکه قصد فرضیه آزمایی نداریم و راهبرد پژوهش مبتنی بر جمع آوری داده ها به روش استقرایی و تحلیل آن ها است، از محدود کردن پژوهش به یک چارچوب نظری اجتناب شده است.

گام بعدی، بحث استخراج مؤلفه ها و مقومات بنیادگرایی یهودی است. برای بازشناسایی این مقومات، ناگزیریم به منابع اصلی یهودیت مراجعه کنیم. نکته قابل تأمل در اینجا، پیوند میان دین، تاریخ و قومیت یهودی است. به عبارتی، بخش عمده ای از کتاب مقدس یهودیان به تاریخ قوم یهود پرداخته و همین مبنا در سایر منابع مقدس

آنان (از جمله تلمود و تفاسیر خاخامی) استمرار داشته و این مسئله تفکیک دین، تاریخ و قومیت را در آیین یهودیت دشوار ساخته است. البته باید توجه داشت که ذکر مباحث تاریخی، به معنای فاصله گرفتن از موضوع اصلی بحث یا رویکرد تاریخی پژوهش نیست؛ بلکه روشن است که بدون ذکر این مقدمات، امکان شناسایی مقومات اصلی بنیادگرایی یهودی وجود ندارد.

یکی دیگر از پیچیدگی‌های این پژوهش، در نظر داشتن همزمان مؤلفه‌های سیاسی، تاریخی دینی و قومی، در کنار تعدد قرائت‌ها و تفاسیر - در مباحث تاریخی و دینی یهود - می‌باشد. در دین یهود، - به مانند سایر ادیان - انواعی از قرائت‌ها و گرایش‌های دینی به چشم می‌خورد و به تعبیری باید از «نظام‌هایی از یهودیت» سخن به میان آورد. بر همین اساس باید رویکردی را برگزید که ارتباط بیشتری با بحث داشته باشد. در میان قرائت‌های مختلف یهودیت، گرایش ارتدوکسی (سنت‌گرایانه) قرابت بیشتری با بنیادگرایی یهودی دارد و بهتر می‌تواند در تبیین اندیشه‌های آنان به کار گرفته شود. البته برگزیدن چنین رویکردی به معنای نگاه تک‌بعدی و تقلیل‌گرایانه نیست و بررسی سایر گرایش‌ها به صورت اجمالی و نیز با حفظ رویکردی نقادانه، مبنای اصلی این پژوهش می‌باشد. از آنجایی که این نوشتار، صرفاً مباحث نظری را دنبال نمی‌کند، لذا پس از روشن شدن تعریف، اصول، چارچوب و مقومات بنیادگرایی یهود، نقش و جایگاه آن نیز در ساختار سیاسی (فعلی و آینده) اسرائیل مورد بررسی قرار خواهد گرفت.

در همین راستا - با عنایت به روش تحلیل گفتمان - در نظر داشتن همزمان دو مؤلفه «گفتمان بنیادگرایی یهودی» و «زمینه»^۱ (یعنی ساختار سیاسی اسرائیل) ضروری است. به منظور تبیین جایگاه بنیادگرایی یهودی در ساختار فکری و سیاسی اسرائیل، در مرحله نخست شناسایی گفتمان‌های رقیب ضرورت دارد. در این میان بررسی گفتمان‌های صهیونیسم و پست صهیونیسم (به عنوان گفتمان‌های مطرح) مهم به شمار می‌رود. روشن است که ارتباط نظری میان گفتمان‌ها در یک زمینه سیاسی - اجتماعی مشترک اجتناب‌ناپذیر است و مؤلفه‌های مشترکی میان آن‌ها وجود دارد که مجموعاً می‌تواند به تبیین گفتمان بنیادگرایی یهودی کمک نماید. در میان گفتمان‌های یاد شده، گفتمان صهیونیسم از اهمیت خاصی برخوردار است. زیرا جریان‌های فکری معاصر اسرائیل

همگی به نوعی متأثر از آن بوده و تأثیرات آن بر سایر گفتمان‌ها و گرایش‌های فکری آشکار است. از همین رو است که بررسی نقش و جایگاه بنیادگرایی یهودی در ساختار سیاسی اسرائیل اهمیت می‌یابد.

اغلب پژوهش‌ها بدون توجه به تنوع بنیادگرایی یهودی، آن را به مثابه یک کلیت یکپارچه در نظر گرفته و از تنوعات درونی آن غفلت ورزیده‌اند؛ یا فقط به بررسی مصادیق بنیادگرایی یهودی پرداخته‌اند. لذا از ویژگی‌های مهم کتاب حاضر این است که ضمن معرفی گرایش‌ها و گونه‌های مختلف بنیادگرایی یهودی، خاستگاه فکری و نیز تجلیات بیرونی و سیاسی انواع بنیادگرایی یهودی را نیز مورد بررسی قرار می‌دهد. به عبارتی دیگر، بررسی بنیادگرایی یهودی به شکل نظری و نیز در عرصه عملی سیاست فعلی اسرائیل و آینده آن از ملاحظات مهم این کتاب است.

براساس یافته‌های موجود، به نظر می‌رسد اختلاف گونه‌های بنیادگرایی یهودی - از حیث نظری - ریشه در تفسیر آموزه‌ای دینی دارند. برداشت‌های گوناگون از این گزاره مشهور یهودیت که «یهودیت همچنان در دوران تبعید به سر می‌برد یا دوران رستگاری آغاز شده است» دارای پیامدهای عملی و سیاسی مشهودی است که سه‌گونه بنیادگرایی یهودی یعنی بنیادگرایی منفعل؛ بنیادگرایی عمل‌گرا؛ بنیادگرایی موعودباور را شکل داده است. بدیهی است که هر یک از گونه‌ها با توجه به اختلاف در مبنا، تاکتیک و ابزار، نقش و تأثیرات متفاوتی را در آینده اسرائیل ایفا و بر جای خواهند گذاشت.

افزون بر این موارد، اگر بر پیچیدگی‌های درون‌گفتمانی بنیادگرایی یهودی، پیچیدگی‌های زمینه‌ای یعنی ساختار سیاسی اسرائیل (اعم از زمینه‌های اجتماعی، اقتصادی، دینی، فرهنگی و امنیتی) و نیز تحولات سیاسی منطقه‌ای و بین‌المللی را بیفزاییم، دشواری این پژوهش به‌ویژه با توجه به تکرر و تعدد شاخص‌های تأثیرگذار بیشتر آشکار می‌شود.

در این راستا سعی شده است در بخشی از کتاب، ساختار سیاسی اجتماعی و زمینه‌ای که بنیادگرایی یهودی در حال حاضر در آن حضور دارد، مورد بررسی قرار گیرد. معرفی قوه مجریه، قوه مقننه (کنست)، قوانین (عادی و اساسی) و احزاب سیاسی برای شناسایی این چارچوب سیاسی ضروری به نظر می‌رسد. در ساختار سیاسی یاد شده، بنیادگرایی یهودی از طریق ساختار حزبی امکان فعالیت سیاسی و تأثیرگذاری بر

سیاست‌های اسرائیل را دارد. بر همین اساس، احزاب سیاسی و ارتباط آن‌ها با بنیادگرایی مورد لحاظ و بررسی قرار گرفته‌اند. علاوه بر آن، تحلیل نتایج انتخابات، بررسی نقش احزاب در دوره‌های مختلف و نیز توجه به نظرسنجی‌ها و افکار عمومی از جمله مواردی است که برای ارزیابی دقیق‌تر مسئله باید مد نظر داشته باشیم.

در پایان شایان ذکر است که رویکرد اصلی این پژوهش، طرح و بررسی بنیادگرایی به مثابه یک «اندیشه سیاسی» است. ولی در عین حال با توجه به ابعاد مختلف موضوع لاجرم و در حد امکان تلفیقی از مباحث اندیشه سیاسی، روابط بین‌الملل و آینده‌پژوهی در این کتاب مورد توجه قرار گرفته است. البته می‌پذیریم که با عنایت به گستردگی موضوعی حوزه‌های تحقیقاتی مرتبط، پژوهش حاضر کاستی‌هایی نیز دارد که می‌تواند زمینه‌ساز شکل‌گیری بررسی‌های دیگری قرار گیرد. در عین حال متواضعانه از نقدها و نقطه‌نظرات مشفقانه استادان و پژوهشگران در این مبحث استقبال نموده و امیدواریم که در آینده بتوانیم با بهره‌گیری از این دیدگاه‌ها، نوشتار کامل‌تری را در این زمینه ارائه نماییم.

جلال درخشه

سید محمد مهدی حسینی فائق

(تهران، پنجم فروردین ماه یکهزار و سیصد و نود و شش خورشیدی)

فصل اول:

مبانی نظری بنیادگرایی

۱. مقدمه

شناخت پدیده‌ای چندوجهی و پیچیده همچون بنیادگرایی و گونه‌شناسی و طبقه‌بندی گرایش‌های مختلف آن مستلزم واکاوی ریشه‌ها و خاستگاه‌های تاریخی و سیر تحول و نقاط عطف آن‌هاست؛ همچنانکه این پدیده به عنوان یک بحث میان‌رشته‌ای، موضوع مطالعات علوم گوناگونی همچون علوم سیاسی، اقتصاد، جامعه‌شناسی، روان‌شناسی و علوم تربیتی، اخلاق و علوم فرهنگ و ارتباطات هم بوده است.

در دهه‌های اخیر مباحث مربوط به بنیادگرایی با انقلاب اسلامی ایران^۱، افزایش نقش اسلام سیاسی در غرب آسیا و جمهوری‌های تازه‌استقلال‌یافته شوروی، رسوایی‌های بنیادگرایان مسیحی در آمریکا^۲، ظهور جنبش‌هایی مانند گوش امونیم در اسرائیل، پیدایش جریان‌های افراطی و خشن در قالب گروه‌هایی مانند داعش، بیش از پیش در کانون توجهات قرار گرفته است. در این اوضاع و احوال افزایش قدرت، نقش و نفوذ و تأثیرگذاری این گروه‌ها سبب شکل‌گیری پژوهش‌ها و تحقیقات علمی در این ارتباط شده است.

۱. با وقوع انقلاب اسلامی ایران برخی از ناظران، انقلاب ایران را نوعی جنبش بنیادگرا که در نتیجه آن بنیادگرایان به قدرت رسیده‌اند، معرفی نمودند. اما به مرور زمان و با تخصصی شدن مطالعات مربوط به بنیادگرایی، به نظر می‌رسد انقلاب اسلامی ایران می‌تواند خارج از این طبقه‌بندی قرار گیرد. امروزه بسیاری از انقلابیون (به‌طور کلی) با توجه به معنای منفی اصطلاح بنیادگرایی که به ذهن متبادر می‌شود، از کاربرد این واژه برای انقلاب پرهیز کرده و به جای آن از اصول‌گرایی یا واژه‌هایی شبیه آن استفاده می‌کنند.

2. Televangelical scandal

امروزه جنبش‌های بنیادگرا در دنیای سکولار در حال رشد می‌باشند و تقریباً در اکثر نقاط جهان (غرب آسیا، آمریکای لاتین، آسیا) و در ادیان و باورهای مختلف (مسیحیت، یهودیت، اسلام، بودیسم و هندوئیسم) قابل مشاهده هستند. در عین حال این جنبش‌ها تأثیرات سیاسی غیرقابل انکاری دارند. چنانکه آلموند تأکید دارد (Almond, 2003: 1):

در حال حاضر نفوذ و گستره فعالیت جنبش‌های بنیادگرا افزایش یافته و بنیادگرایان در احزاب سیاسی، مجامع، پارلمان کشورهای نظیر اردن، اسرائیل، مصر، مراکش، پاکستان و آمریکا حضور دارند.

پیش از ورود به بحث بنیادگرایی، لازم است تعریفی از این مفهوم ارائه و سپس حدود و ثغور آن مشخص شود. روشن است که پرداختن به وجوه مختلف، بدون در نظر داشتن یک چارچوب مفهومی ممکن نیست.

در زمینه بنیادگرایی (خصوصاً در چند دهه اخیر) مطالعات زیادی انجام شده و این مبحث همواره یکی از مسائلی مورد مناقشه میان محققان و ناظران عادی بوده است؛ اما با این وجود، تعاریف ارائه شده به سبب برخی فضا سازی‌های رسانه‌ای، سوگیری‌های ارزشی یا نداشتن اطلاعات کافی، اغلب ضمن تقلیل‌گرا و ساده‌انگارانه بودن، از شمولیت کافی برخوردار نیستند. طرح معانی متکثر و مختلف برای بنیادگرایی (از منظرهای مختلف) سبب نوعی لغزش معنایی شده که همین امر پژوهش درباره این مفهوم را دشوار ساخته است.

با نگاهی به پژوهش‌هایی که در این ارتباط انجام شده، شاهدیم که بنیادگرایی با رویکردهای مختلف جامعه‌شناسی، تاریخی، اندیشه‌ای، اقتصادی، دینی و فرهنگی مورد بررسی قرار گرفته است. با وجود اختلافاتی که در تعاریف وجود دارد، همه آن‌ها (بسته به رویکردی که اتخاذ کرده‌اند) به نوعی تعریفی از بنیادگرایی را ارائه می‌نمایند؛ اما عموماً از جامعیت و مانعیت برخوردار نیستند. در هر حال این پژوهش هم مدعی نیست که قصد بررسی و احصاء همه انواع بنیادگرایی را دارد و می‌تواند ضعف همه پژوهش‌ها را پوشش دهد؛ اما - با تمرکز بر نوع بنیادگرایی دینی با نگاهی سیاسی - می‌کوشد نقطه قابل اتکائی برای پیشبرد یک مبحث علمی را فراهم نماید. در ارتباط با بنیادگرایی چندین بحث مقدماتی قابل طرح است که بررسی آن‌ها پیش از ارائه تعریف ضروری به نظر می‌رسد. در واقع پیش از اینکه تعریف مشخص و مدونی از بنیادگرایی

ارائه شود باید ملاحظات مطمح نظر قرار گیرند که در ادامه به آن‌ها پرداخته شده است. بنیادگرایی برگردانی است از اصطلاح انگلیسی Fundamentalism؛ که آن هم برگرفته از کلمه لاتینی Fundamentum به معنای شالوده و اساس می‌باشد (هی‌وود، ۱۳۷۹: ۴۹۵). این واژه یا اصطلاح برای نخستین بار در اوایل سده ۲۰ میلادی برای یک فرقه مذهبی مسیحی در ایالات متحده به کار برده شد. این فرقه در اواخر سده ۱۹م در محافلی محافظه‌کار از کلیسای پروتستان و از خلال انجیل‌گرایی^۱ در آمریکا نشئت گرفت و از بدنه پروتستان‌تیسم جدا شد (Harris, 1998: 19, Dulles, 2003: 27) و به‌عنوان یک گروه افراطی رشد کرد. این فرقه در میان دانشگاهیان پرسبیتی^۲ که به دنبال نوعی حکومت کلیسایی بودند و نیز الهی‌دانان مدرسه کلام دانشگاه پرینستون نضج گرفت و اساس شکل‌گیری آن در محیطی اندیشه‌ورز بود (Noll, 2000: 4-13; Harris, 1998: 94) (به نقل از پاکتچی، ۱۳۹۰: ۴۳)

بنیادگرایی، نام خود را از عنوان مجموعه جزواتی گرفته که در فاصله سال‌های ۱۹۱۰ تا ۱۹۱۲م با نام «بنیادگرایان»^۳ انتشار می‌یافت. هر چند که درک معنا و دلالت هر واژه یا اصطلاحی بدون توجه به زمینه و ساختاری که واژه در آن بوجود آمده یا رشد کرده ممکن نیست، اما نباید دلالت واژه را فقط به منشأ اولیه‌اش محدود کرد. به‌عنوان نمونه اگر بخواهیم چنین کاری کنیم، کاربرد واژه‌هایی نظیر ملی‌گرایی و سکولاریسم برای جوامع غیر غربی بی‌معناست زیرا ظهور و بروز این اصطلاحات (با معنایی که در عرف سیاسی امروز از آن برداشت می‌شود) اولین بار در جهان غرب بوده است. بر همین اساس برخی منتقدان^۴ معتقدند که استعمال اصطلاح بنیادگرایی که خاص پروتستان‌تیزم آمریکایی است برای سایر جنبش‌های مذهبی (خصوصاً برای نمونه‌های غیر غربی) دقیق به نظر نمی‌رسد (Munson, 2014). اما در طرف مقابل «بروس لارنس» از کاربرد این

1. Evangelism

2. Presbyterian

3. Fundamentals

۴. به‌عنوان نمونه، در مورد انقلاب ایران، برخی نویسندگان تعمداً از کاربرد لفظ بنیادگرایی برای جمهوری اسلامی ایران اجتناب می‌کنند زیرا به نظر آنان این اصطلاح منعکس‌کننده شرایط سیاسی مذهبی مسیحیت است و در چارچوب اسلامی معنایی ندارد. کتاب ذیل به این اصل پایبند بوده و برای ادعای خود دلایلی را نیز آورده است (Matin, 2000: xxi). افزون بر این، مبنای فکری انقلاب اسلامی ایران، بنیادگرایی به مفهوم رایج آن نیست و علی‌رغم وجوه اشتراک، تفاوت‌های بنیادین با آن دارد (درخشه، ۱۳۸۹: ۲۰).

اصطلاح در خارج از چارچوب پروتستانی اولیه‌اش دفاع کرده؛ و مدرنیته را به‌عنوان شاهد مثال مطرح می‌نماید. به نظر وی مدرنیسم - هر چند که از لحاظ نهادی ریشه در بخش‌هایی از غرب داشت - اما به مسیحیت پروتستانی محدود نشد. عصر روشنگری بسیاری از یهودیان و مردمان آفریقا و آسیا را در قرن ۱۹ و اوایل قرن ۲۰ متأثر ساخت اما هژمونی مدرنیسم با استقلال کشورهای مستعمره پایان نیافت (Ruthven, 2007: 6). در هر صورت، استفاده این اصطلاح خارج از مصدر اولیه‌اش ممکن است سبب بروز اعتراضاتی گردد، اما همان‌طور که نمی‌توان آن را به چارچوب اولیه‌اش محدود کرد، باید از گسترش بی‌قاعده اصطلاح نیز اجتناب کرد. لذا نمی‌توان بنیادگرایی را به یک دوره تاریخی و فکری خاص محدود نمود.

از دیگر مباحث مهم در باب بنیادگرایی، دلالت دینی یا غیردینی (اعم از سیاسی، فرهنگی و اقتصادی و تاریخی) آن است. مفهوم یاد شده هر چند الزاماً اختصاصی به مذهب ندارد و در زمینه‌های غیر دینی نیز امکان تحقق دارد، اما بروز خارجی آن (به‌ویژه در دوره معاصر) معمولاً با مفهوم مذهب گره خورده است^۱ و پیوند مستحکمی با پیروان ادیان و آیین‌های بزرگ جهان اعم از یهودیت و مسیحیت و بودیسم و اسلام دارد. جرج مارسدن (مورخ مذهبی آمریکایی) و برخی دیگر معتقدند که جنبش بنیادگرایی در وهله نخست و بیش از هر چیز یک جنبش مذهبی محسوب می‌شود (Marsden, 1980; Woodbury & Smith, 1998).

البته اگر بنیادگرایی را محدود به بنیادگرایی دینی کنیم، باز هم باید توجه داشت که بنیادگرایی دینی به دین معینی محدود نمی‌شود و از لحاظ جغرافیایی، پیروان و بسیج‌شوندگان تنوع بسیاری دارند و محدود به سن، جنس، طبقه و جایگاه اجتماعی خاصی نیستند (Barker, 1999: 20) به نقل از (گل محمدی، ۱۳۸۳: ۱۷۸) و حتی در میان پیروان یک دین هم می‌توان گرایش‌های مختلف و اشکال متنوعی از بنیادگرایی را مشاهده نمود. نمونه‌های غیردینی بنیادگرایی در سیاست، اقتصاد و فرهنگ نیز قابل مشاهده است. به‌عنوان نمونه منتقدان بانک جهانی و صندوق بین‌المللی پول، بحث

۱. پیوند میان بنیادگرایی و مذهب به این معنی نیست که هرگونه باور، عمل و جریان مذهبی را بنیادگرا بدانیم. در همین زمینه می‌توان معتقد است با توجه به ویژگی‌های متناسب به بنیادگرایی باید آن را به‌طور کامل از مذهب به معنای عام تفکیک کرد (زیلبرشتاین، ۱۳۸۹: ۱۰).